

گزارش خبری

قالیباف:رفع فیلتر تلگرام دنبال می‌شود

قالیباف بیان کرد: واقعیت اینکه برخی از پلتفرم‌ها با دشمنان ما همراه بوده و در جنگ با ما هستند و می‌توان از بقیه پلتفرم‌ها هم استفاده کرد. در نهایت باید تلاش شود بند به بند طرح ۳۲ بندی شورای عالی فضای مجازی دنبال شود.

قالیباف در پاسخ به پرسشی درباره احتمال ترمیم کابینه دولت و اینکه آیا مجلس و دولت اراده‌ای برای تغییر در وزرای کابینه دارند، بیان کرد: مسئله ارزیابی وزرا طبیعی است و دولت، مخصوصا رئیس‌جمهور محترم، پس از گذشت یک سال حتما ارزیابی‌هایی دارند و آن را دنبال می‌کنند. مجلس نیز نقش نظارتی خود را با تذکر شفاهی، کتبی، سؤال و در نهایت استیضاح دنبال می‌کند؛ هرچند استیضاح آخرین راه است. قالیباف با اشاره به چهار استیضاح اعلام وصول‌شده به هیئت‌رئیس مجلس افزود: همان روشی که در مجلس یازدهم با دولت سیزدهم داشتیم را اکنون نیز دنبال می‌کنیم. ترجیح ما این است که در صورت جمع‌بندی مشترک درباره ضعف یک وزیر، دولت خودش نسبت به جابه‌جایی اقدام کند؛ این روش مناسب‌تر و سریع‌تر است. او در ادامه خاطرنشان کرد: اگر مسیر استیضاح طی شود، از زمان طرح موضوع تا تشکیل دولت جدید، گاهی یک سال از دست می‌رود. اما اگر دولت خودش وزیر را تغییر دهد، کل فرایند دو هفته طول می‌کشد. اگر مجلس به این جمع‌بندی برسد که راهی جز استیضاح نیست، این حق قانونی مجلس است و حتما اقدام خواهد شد.

آمریکا قصد مذاکره واقعی ندارد

قالیباف در پاسخ به پرسش خبرنگار المبادین درباره اینکه گره واقعی عدم ازسرگیری روند مذاکرات غیرمستقیم با واشنگتن کجا نهفته است و وضعیت فعلی عملکرد آژانس بین‌المللی انرژی هسته‌ای، افزود: من معتقد هستم که گره اصلی، زیاده‌خواهی آمریکاست. آمریکا قصد مذاکره واقعی ندارد و به دنبال تحمیل خواسته‌های خود است.

اگر عقلی باشد ان‌شاءالله جنگ اتفاق نمی‌افتد

او تأکید کرد: اگر عقلی باشد ان‌شاءالله جنگ اتفاق نمی‌افتد. البته آنها در جنگ قبلی شکست خوردند و امروز شرایط ما از نظر کمی و کیفی در مقابل هر تجاویزی در برابر آمریکا و رژیم صهیونیستی محکم‌تر و مؤثرتر و دقیق‌تر خواهد بود. رئیس مجلس گفت: در بحث هسته‌ای، خلاف همه قوانین و ان‌بی‌تی و آژانس کار کردند و مراکز هسته‌ای ما را بمباران کردند اما آژانس چه کرد؟ هیچ. در مقابل آنها بمب دارند و هیچ نظارتی هم بر آنها نمی‌شود.

اصرار بر ابلاغ قانون به این شیوه نشان‌دهنده سیاسی شدن موضوع حجاب است
او با تأکید بر اینکه اصرار بر ابلاغ قانون به این شیوه نشان‌دهنده سیاسی‌شدن موضوع حجاب است، ادامه داد: اصل حجاب، فرهنگی ایرانی و اسلامی است و قانون حجاب نیز هم‌ان‌گونه وجود دارد. رئیس قوه قضائیه هم اعلام کرده برای اجرای آن کمبود قانونی نداریم.

وضعیت نوعی قتل غیر عمد است

قالیباف در پاسخ به پرسشی دیگر درباره اجرای قانون هوای پاک و فقدان اقدام مؤثر دستگاه‌ها در این زمینه افزود: کمیسون کشاورزی و محیط زیست مامور شده گزارش دقیقی تهیه کند. اکنون مر مرجع اعلام نکرده قانونی برای مدیریت آلودگی هوا ناقص است. تجربه‌های جهانی نشان می‌دهد حل این مشکل نیازمند سرمایه زباد نیست. او با اشاره به تجربه شخصی خود در نیروی انتظامی و ۱۲ سال فعالیت در شهرداری تهران بیان کرد: طبق بررسی‌های تخصصی ۹ سال قبل، ۸۲ درصد آلودگی هوای تهران مربوط به وسایل نقلیه است؛ از خودروهای فرسوده تا موتورسیکلت‌ها. برخی کامیون‌ها که ۱۰۰ کیلومتر ۴۰ لیتر مصرف می‌کنند. قالیباف افزود: برای مدیریت آلودگی هوا، قوانین و راهکارها شکله مشخص است. اما اراده و اقتدار کافی در اجرا وجود ندارد. این وضعیت نوعی قتل غیرعمد است. با شروع فصل آلودگی، آمار فوتی‌ها در تهران و شهرهای دیگر تغییر قابل توجهی دارد. او در ادامه تأکید کرد: مجلس به طور جدی وارد موضوع نشده و در برنامه هفتم توسعه نیز بر آن متمرکز خواهد شد. بخشی از مشکل به فرسودگی خودروها و مصرف بالای سوخت بازمی‌گردد. باید ایستاد و این وظیفه مهم را پیگیری کرد. قالیباف در پاسخ به پرسش خبرنگار الجزیره درباره اینکه در یحولات آمریکا و رژیم صهیونیستی به تأسیسات هسته‌ای ایران و همچنین فعال‌شدن سازوکار اسنپک از سوی اروپایی‌ها، برخی نمایندگان مجلس موضوع خروج ایران از معاهده عدم اشاعه (NPT) را مطرح کرده‌اند. احتمال طرح این گزینه در شورای عالی امنیت ملی و وجود اختلاف‌نظر در این باره چقدر است، گفت: دوتا سؤال مطرح شد؛ اول اینکه آیا اختلاف‌نظر وجود دارد؟ اختلاف‌نظر کجای دنیا وجود ندارد؟ در همه موضوعات اختلاف‌نظر وجود دارد. نکته دوم اینکه آیا در شورای عالی امنیت ملی روی این موضوعات بحث می‌کنند؟ روی این موضوعات بحث نکنند پس روی چه چیزی بحث کنند؟ او افزود: اما اینکه الان چه تصمیمی گرفته‌ایم، همان اقداماتی است که در دو سه روز اول جنگ انجام شد و مهم‌ترین و دقیق‌ترین تصمیم بود. مجلس شورای اسلامی با مشورت با بقیه ارکان نظام این تصمیم را اتخاذ کرد و در واقع همکاری با آژانس را تعلیق کردیم.

یادداشت

اقتصاد ایران در چنبره سیاست

مسیر دوم، رویکرد ایدئولوژیک است که بر وجوه مختلف اقتصاد سایه انداخته است. این گفتمان بر «نزاع تمدنی» تأکید دارد؛ در این نگاه، اولویت با اهدافی مانند دولت‌سازی، ملت‌سازی و تمدن‌سازی در تقابل با دشمن خارجی و نه لزوما با رفاه عمومی و توسعه اقتصادی پایدار تعریف شده است. در زمان فروزی درآمدهای نفتی، هزینه‌کرد در مسیر این اولویت‌ها فشار ملموسی بر اقتصاد ایجاد نمی‌کرد. اما با تشدید تحریم‌ها و کاهش درآمد نفت از دهه ۹۰ به بعد، برای تأمین مالی این اهداف، سازوکارهای مخربى اتخاذ شد که در منطق درونی، اغلب برای «اهداف بالاتر» توجیه می‌شوند. مخالفت با سازوکارهای شفافیت مالی بین‌المللی مانند FATF و CFT نیز در همین چارچوب قابل فهم است. این رویکرد، سیاست را بر توسعه مقدم می‌دارد. پیامد این وضعیت، ایجاد دولتی است که استقلال عمل ندارد و نمی‌تواند برنامه‌ریزی پایدار اقتصادی انجام دهد. سرمایه‌های کلان کشور در اختیار نهادهای عمومی غیردولتی است که مأموریت‌هایشان لزوما اقتصادی نیست و در فقدان شفافیت عمل می‌کنند. شرکت‌های شبه‌دولتی نیز در میانه فشار بازار، با دریافت رانت زنده نگه داشته می‌شوند و به عاملی برای تورم تبدیل شده‌اند. نتیجه این وضعیت، اقتصاد چندپاره است. در چنین بستری، هر سیاست اقتصادی محکوم به شکست یا ایجاد معضلی جدید است. انتخاب بین ثبیت یا آزادسازی ارز، هدفمندی یا عدم هدفمندی بارانه‌ها و افزایش یا عدم افزایش قیمت حامل‌های انرژی، همگی در دام بن‌بستی ساختاری افتاده‌اند. هرکدام از این گزینه‌ها، با به تقویت رانت و فساد می‌انجامد یا تورم فزاینده به همراه آورده و فشار آسیب‌پذیر را تحت فشار بیشتر قرار می‌دهد. راه بیرون‌رفت از این چنبره، در پذیرش یک واقعیت ساده اما بنیادین است: تا زمانی که اصلاحات در حوزه سیاست و حکمرانی صورت نگیرد، درمان‌های مقطعی اقتصادی نه‌تنها مشکلی را حل نمی‌کند، بلکه بر پیچیدگی بحران می‌افزاید. اقتصاد بیمار ایران نیازمند جراحی سیاسی است.

گزارش تحقیقی «شرق» از آخرین وضعیت استادان اخراج‌شده از دانشگاه‌های سراسر کشور:

نیمی از استادان اخراجی بازگردانده نشدند

روایت مهدی خویی، مهشید گوهری، حسین مصباحیان، محمد سلطانی، رهام افغانی خراسکانی، زهرا موسوی خامنه و بهدخت نژادحقیقی

استادان دانشگاه‌های مختلف از اخراج و تعلیق تا ممنوعیت از ورود به محیط دانشگاه



دارند، مسئله مرا مطرح می‌کند اما از او نیز خبری نشده». او می‌گوید پس از دو پرونده اخراج، نامه استادان و دانشجویان و همین‌طور رسانه‌ای‌شدن خبر اخراج، تمام مسئولان وزارت علوم و دانشگاه موضوع را می‌دانند و اگر عزمی برای بازگشت او به دانشگاه بود، اقدام می‌کردند: «۱۹ سال در دانشکده ادبیات دانشگاه تهران بوده‌ام و از این ۱۹ سال، هفت سال را با مسئله استخدام و اخراج گذرانده‌ام. امضاکندگان نامه اعتراض به اخراج من، مشاورین وزیر علوم فعلی، رئیس دانشکده ادبیات فعلی و بسیاری دیگر هستند. من دیگر نیازی نمی‌بینم برای این مسئله دوندگی کنم. حقیقتا نیز خسته و فرسوده شده‌ام».

محمد سلطانی: بازگشته‌ام امطرد

محمد سلطانی، استاد دانشکده الهیات و معارف دانشگاه اصفهان است؛ استادی که پس از وقایع سال ۱۴۰۱ حکم دو سال تعلیق از این دانشگاه دریافت کرد: «در تیرماه ۱۴۰۲ هیئت رسیدگی به تخلفات دانشگاه اصفهان بدون اینکه پرونده‌ای در اختیارم قرار دهد، من را دو سال از خدمت تعلیق کرد. مستندات پرونده نیز پست‌های من در صفحه شخصی‌ام از فضای مجازی بود که به‌عنوان توهین به مقدسات تلقی شده بود. این حکم در حالی بود که در بند ۲۳ آیین‌نامه استخدامی، نهایتا برای یک استاد دانشگاه صدور حکم از سال تعلیق ممکن است». او با ابلاغ این حکم تا بهمن ۱۴۰۳ یک خدمت تعلیق بود و هم‌زمان پرونده‌ای نیز برای او در دادگاه ویژه روحانیت تشکیل شد: «من از تمام اتهامات در دادگاه روحانیت تبرئه شدم، اما به علت فشارهای موجود، دادگاه در نهایت حکم ۹ میلیون تومان جریمه نقدی به شکل تعلیقی در دو سال به من داد که حالا دو سال گذشته و این حکم نیز به پایان رسیده است». در دولت قبل این استاد دانشگاه به غیرقانونی‌بودن حکم خود به وزارت علوم اعتراض کرد، اما با برخورداری تند مواجه شد و او مشکلات زیادی به علت دریافت نکردن حقوق از دانشگاه و حتی قطع پاره‌ن نیز مواجه شد: «با تغییر دولت، در بهمن ۱۴۰۳، درحالی‌که ماه ۱۸ از ۲۴ ماه تعلیق گذرانده بودم، به دانشگاه بازگشتم». اما این بازگشت به دانشگاه با مشکلاتی همراه بوده است: «وزارت علوم حکم بازگشت به تدریس مرا زده و از سویی دیگر هم از تمام اتهامات قضائی تبرئه شده‌ام، اما پس از بازگشت به دانشگاه امتیازات پژوهشی و تمام اندوخته پژوهشی من صفر شده است. سهمیه پایان‌نامه و رساله دانشجویی دکتری و ارشدی که بل ارتباطی استاد با دانشجویان تحصیلات تکمیلی است، کاهش یافته. برای من که ۱۰ سال هیئت‌علمی بوده‌ام تنها یک دانشجوی دکترا اختصاص یافته و از انتخاب من به‌عنوان مشاور رساله دانشجویان جلوگیری می‌شود. از بسیاری از حقوق خود به‌عنوان استاد دانشگاه محروم هستم». محمد سلطانی می‌گوید که اعمال سلیقه شخصی در دانشگاه جریان دارد و مدیران میانی فعالیت علمی این استاد دانشگاه را مشکل‌دار کرده‌اند: «کسانی که با من اختلاف سلبقه دارند، در حال تعیین تکلیف هستند. خبر داریم استاد دیگری نیز چه در دانشگاه فردوسی و چه دانشگاه‌های دیگر درگیر این مسئله هستند».

رهام افغانی خراسکانی: پرونده‌ای در تعلیق

رهام افغانی خراسکانی، عضو گروه معماری دانشگاه شهید بهشتی بود. او در سال ۱۴۰۰ پس از هفت سال تدریس در دانشگاه، پرونده علمی خود را برای تبدیل وضعیت شغلی از قرارداد، پیمانی به قرارداد رسمی آزمایشی به این دانشگاه ارسال کرد. هم‌زمان با اعتراضات سال ۱۴۰۱ او برای مصاحبه عمومی به دانشگاه شهید شد و با وجود کسب تمام امتیازات لازم علمی و پژوهشی، در این مصاحبه نمره لازم را کسب نکرد. اما علت اصلی ماجرا فقط آنچه در مصاحبه گذشته نبوده است؛ این استاد دانشگاه با توجه به استعلاات مختلف و از طریق دیگر همکاران خود متوجه شده که به علت فعالیت‌هایش در توئیتر و همین‌طور همراهی با دیگر استادان در امضای نامه‌ای در حمایت از دانشجویان، دانشگاهی که تیم بهشتی با تبدیل وضعیت او و همین‌طور تمهید قراردادش مخالفت کرد و در نهایت رای به اخراج‌اش داد. رهام افغانی خراسکانی که فارغ‌التحصیل نمونه دانشگاه پلی‌تکنیک میلان در مقطع دکتراست، پس از این اخراج با واکنش تند مسئولان دانشگاهی مواجه شد و در نهایت نیز پیگیری برای بازگشت به دانشگاه را کنار گذاشت. پس از انتخابات سال ۱۴۰۳ و روی کار آمدن دولتی با وعده بازگرداندن استادان اخراج‌شده به دانشگاه، درخواستی برای بررسی مجدد پرونده خود به وزارت علوم نوشت. پس از ارسال این نامه، کمیسون ماده ۲۱ هیئت جذب در وزارت علوم تشکیل شد. اما این وزارتخانه به‌جای پیگیری پرونده و دستور بازگشت این استاد به دانشگاه، پرونده را در مهرماه ۱۴۰۴ از یک سال درگیری، برای بررسی بیشتر به خود دانشگاه شهید بهشتی ارجاع داد؛ دانشگاهی که تیم ریاست آن، همان تیم ریاست دولت قبل است و کسانی که سابقا رای به اخراج رهام افغانی خراسکانی داده بودند، مسئول بازنگری

دیگر اساتید به هیئت رئیسه دانشگاه مراجعه و تلاش کرد فضای علمی این دانشگاه را آرام کند. اما در نهایت، در دی‌ماه ۱۴۰۱ با او و شش استاد دیگر قطع همکاری شد؛ اقدامی که به اعتراض اساتید گروه ادبیات نیز منجر شد. زیرا این شش استاد اخراج‌شده، از بهترین اساتید دانشکده بودند. پس از قطع همکاری، در سال ۱۴۰۲ به‌شکل شفاهی حضور این استاد ادبیات در محیط دانشگاه فردوسی و استفاده از کتابخانه و ارتباط با دیگر اساتید نیز ممنوع شد و او که از سال ۱۳۷۶ تمام مقاطع تحصیلی و سپس استادی را در این دانشگاه گذرانده بود، بعد از ۲۸ سال از حضور در دانشگاه فردوسی منع شد. با تغییر دولت، وزارت علوم و هیئت رئیسه دانشگاه فردوسی، از بین این شش استاد، فقط یکی، به دانشگاه بازگردانده شد، اما با «مهشید گوهری» و چهار استاد دیگر حتی از طرف وزارت علوم یا مسئولان دانشگاه فردوسی یک تماس گرفته نشد و این استاد دانشگاه حالا به واسطه گزارش‌های دانشگاه فردوسی، درگیر پرونده‌های قضائی نیز شده است.

حسین مصباحیان: وقتی همه چشم‌هایشان را بستند

دانشکده ادبیات دانشگاه تهران اساتید مختلفی را با اخراج کرده یا با آنها قطع همکاری کرده است. در میان آنها حسین مصباحیان نیز قرار دارد؛ استادی که اخراج او واکنش اساتید و دانشجویان را برانگیخت و چندین نامه اعتراضی و درخواستی برای بازگشت او، نوشته شده است. این اخراج که پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ اتفاق افتاد، اولین تجربه این استاد از اخراج نیست: «پس از اعتراضات سال ۱۳۸۸، در سال ۱۳۸۹، به علت نامه‌ای که در اعتراض به ضرب و شتم دانشجویان نوشته بودم، از دانشگاه تهران اخراج شدم. در آن زمان در جلسه گزینش وزارت علوم بارها تأکید کردم که اعتراض من کاملا صغی و اخلاقی بود و نامه‌او اعتراضاتی تندرتر از این توسط دولتمردانی که در حال حاضر نیز در مسند قدرت هستند صورت گرفته است». پس از جلسه گزینش، با توجه به رویکرد اخلاقی و علمی «مصباحیان» هیئت جذب وزارت علوم با وجود صادرشدن رسمی حکم اخراج این استاد توسط دانشگاه تهران، به تمدید قرارداد این استاد رأی داد: «هیئت گزینش و جذب وقتی موضع مرا دید، نامه زد که تمدید قرارداد من بلامانع است. من هم از همان سال شروع به تدریس به شکل حق‌التدریسی کردم، چون قرار بود پرونده‌ام اصلاح شود. اما این فرایند تا سال ۱۳۹۶ طول کشید، یعنی من از سال ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۶ بدون اینکه استخدام رسمی شوم در دانشگاه مشغول به کار بودم. این تاخیر در تمدید قرارداد، برایش قواقی داشت و در نهایت اندوخته علمی و نمرات پژوهشی حسین مصباحیان که از سال ۱۳۸۶ در دانشگاه تهران در حال پژوهش و تدریس بود صفر و استخدام او از سال ۱۳۹۶ ثبت شد. در جریان اعتراضات سال ۱۴۰۱، این استاد فلسفه دوباره نامه‌ای اعتراضی نوشت و در نامه خود به حقوق دانشجویان اشاره کرد و عملکرد دانشگاه را مورد نقد قرار داد، همین‌طور او متن‌های تحلیلی درباره وقایع سال ۱۴۰۱ نوشت: «پس از نامه‌ام در سال ۱۴۰۱ و متن‌هایی که در آن به تحلیل وضعیت پرداخته بودم، در اسفند همان سال دانشگاه اعلام کرد که وضعیت قراردادی من مشخص نشده است. من همچنان به کار ادامه می‌دادم و برای مثال شهریور ۱۴۰۲ دو پایان‌نامه یا راهنمایی من در دانشکده ادبیات دفاع شد. سرانجام شش ماه پس از اسفند ۱۴۰۱،

در شهریور ۱۴۰۲، دوباره حکم اخراج من به صورت مکتوب صادر شد». پس از تغییر دولت در تابستان ۱۴۰۳، حسین مصباحیان از اساتیدی بود که انتظار بازگشت او وجود داشت. حتی ۱۰۰ دانشجوی فلسفه دانشگاه تهران در نامه‌ای درخواست بازگشت او را مطرح کردند و همین‌طور بسیاری از مدیران جدید دانشکده ادبیات، دانشگاه تهران و وزارت علوم از افرادی بودند که در نامه اعتراض به اخراج مصباحیان در سال ۱۴۰۱، شرکت داشته و امضا کرده بودند، اما همه چیز برخلاف انتظارات و درخواست‌ها پیش رفت: «از زمان تغییر دولت، نه «استاد نمونه دانشکده» با استفاده از ابزار تمهیدنگردن قرارداد از این دانشگاه اخراج شد. این استاد ادبیات در سال ۱۴۰۱ به‌واسطه فعالیت در کارگروه‌هایی که اساتید دانشگاه فردوسی برای پیگیری کار دانشجویان بازرداشتی تا تعلیق‌شده بودند، از سوی حراست و مسئولان وقت دانشگاه فردوسی بازخواست شد. «مهشید گوهری» از اساتیدی بود که بارها برای کمک به رفع تعلیق دانشجو

۱۴۰۱ تا تابستان ۱۴۰۳، ۵۸ تا ۱۰۰ استاد از دانشگاه‌های دولتی برتر کشور اخراج شدند و گزارش‌هایی از اخراج تعداد زیادی از اساتید حق‌التدریسی دانشگاه آزاد شنیده می‌شود. در این موج اخراج و تصفیه اساتید، وزارتخانه مربوطه در دوره‌های مختلف با استاد به اتهاماتی غیرقابل اثبات یا غیرمؤثق دست به تشکیل پرونده برای اساتید زده و برای اخراج آنها هم از ابزارهای قانونی مثل تمهیدنگردن قرارداد یا تعلیق وضعیت علمی استفاده کردند. پس شعار وفای و تأکید بر برگرداندن اساتید و دانشجویان و حفظ حریم دانشگاه، موجی از امید نسبت به بازگشت اساتید مؤثر اما اخراج‌شده در دانشگاه‌ها ایجاد شد. رئیس دولت چهاردهم در جلسه تکریم وزیر قبلی و معارفه وزیر جدید علوم در تاریخ ۸ شهریورماه خطاب به حسین سیمایی صراف گفت: «به وزرای بهداشت و آموزش و پرورش هم گفت‌ام درباره همه اساتیدی که به هر طریقی دانشگاه را با آنها لغو قرارداد یا اخراج کرده بازنگری کنند و دانشجویان را برگردانند». در همین راستا نیز خبر از بازگشت تعدادی از اساتید به دانشگاه‌ها آمد. اما حالا بیش از یک سال از معارفه وزیر جدید علوم و عمر دولت جدید گذشته است و با وجود بازگشت تعدادی از اساتید به دانشگاه، خبری از برگرداندن سایرین نیست؛ برآوردها نشان می‌دهد بیش از نیمی از اساتید هنوز به دانشگاه بازنگشته‌اند. در این گزارش «شرق» در یک گزارش تحقیقی - گفت‌وگویی به سرآخ این اساتید رفته است؛ کسانی که از وضعیت فعلی‌شان می‌گویند که مغایرت زیادی با وعده‌ها دارد. در این گزارش تعدادی از اساتید به‌طور مستقیم با «شرق» مصاحبه کرده‌اند که اساد آن هم موجود است و تعدادی هم با واسطه و غیرمستقیم، به سایر اساتید هم دسترسی راحتی وجود نداشت یا نخواستند مصاحبه‌ای انجام دهند. با وجود پیگیری‌های فراوان، مسئولین وزارت علوم با تأکید بر مسئولیت بیشتر نهادهای دیگر درباره این موضوع، تمایلی به گفت‌وگو با «شرق» نداشتند.

مهدی خویی: هیچ‌کس به نامه‌های من پاسخ نداد

در دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی «مهدی خویی» از محبوب‌ترین و مهم‌ترین اساتید گروه جامعه‌شناسی این دانشکده بود. این استاد پس از اعتراضات سال ۱۴۰۱ از دانشگاه اخراج شد: «من یک روز در هفته آخر مردامه‌ا ۱۴۰۲ کارتابل دانشگاهی را باز کردم تا ببینم زمان کلاس‌هایم کی هست که با یک نامه مواجه شدم. این نامه به رئیس دانشکده ارجاع داده شده بود. او هم نامه را با یک یادداشت آرزوی موفقیت، به من ارجاع داد. در این نامه آمده بود که از شهروندان حقوقم را قطع کنند و دانشگاه دیگر با من همکاری نخواهد داشت». او تأکید می‌کند که در فرایند اخراج هیچ‌وقت با پرونده مکتوب یا امکان دفاعی مواجه نشده است: «دانشگاه با وزارت علوم من را برای دفاع و ارائه توضیحات نخواست. حتی فرایند اخراجم از نظر پروکراتیک نیز درست طی نشد و با اینکه به دانشگاه بدهی‌های زیادی دارم تا همین حالا حتی با من تصفیه‌حساب انجام نشده است». خویی، برای دیدار با رئیس وقت دانشگاه علامه یعنی عبداله نعمت‌دین درخواست نوشت: «در جلسه با رئیس دانشگاه آنچه به من گفته شد، این بود که شما یک متنی شبیه به تویه‌نامه بنویس و از دانشجویان اعلام برائت کن. در جلسات دیگری با ازشیر انتظاری، رئیس دانشکده و نعمتدین، رئیس دانشگاه، دانما مطرح می‌شد شما اگر یک‌کارهایی کنید می‌توانید برگردید اما هیچ‌وقت به من نگفتند آن کارها چیست یا من باید چه کاری انجام دهم. در تمام مدت نیز نمی‌گفتند که من درباره اخراج خودم و آنچه گذشته مصاحبه‌ای نکنم. حتی رئیس دانشگاه یک بار به من گفت به‌خاطر توهیتی که نوشتم و منجر شد خیلی‌ها رای دانشگاه دلسوزی کنند، مسیر بازگشت سخت‌تر شد.

با تغییر دولت و تغییر رئیس دانشکده و دانشگاه «مهدی خویی» دوباره درخواستی به رئیس جدید دانشگاه برای بازبینی پرونده و بازگشت به دانشگاه نوشت: «بعد از درخواست، معاونت آموزشی دانشگاه با من تماس گرفت و به من گفت که در حال حل مسئله هستیم. اساتید و رئیس جدید دانشکده نیز در جلساتی با رئیس دانشگاه درباره من حرف زدند و کار تا جایی پیش رفت که مدیر گروه جامعه‌شناسی برای تنظیم زمان درس‌ها با من تماس گرفت». اما در همین هنگام تشکیل جلسه سنجش صلاحیت عمومی در دانشگاه علامه طباطبایی دوباره بازگشت این استاد دانشگاه را ناممکن کرد: «در جلسه‌ای که در دانشگاه برگزار شد، من دو استاد دیگر حاضر بودیم. به نظر می‌رسید جلسه صوری است، از من فقط سه سؤال پرسیده شد، مثلا الان ساعت چند است؟ یا اینکه ازدواج کرده‌ایم یا خیر؟ سؤالی که در آن مشخص باشد اتهام من چیست، پرسیده نشد. در نهایت خروجی جلسه رای منفی به بازگشت من بود». درباره علت این رای منفی نیز به این استاد دانشگاه جواب درستی ندادند: «به من گفتند در شورای عالی انقلاب فرهنگی به بازگشت من رای منفی داده شده. پیگیری کردم و چند درخواست دیگر نوشتم. برای مثال به معاونت جذب وزارت علوم یک نامه نوشتم و جلسه‌ای نیز با او داشتم. او هم گفت که به خود وزیر علوم درخواستی مبنی بر تجدیدنظر درباره پرونده‌ام بنویسم». اما وزیر علوم جوابی به نامه‌اش نداد: «هیچ‌کدام از این جلسات به طور مکتوب به من داده نشد. جواب نامه‌هایم را ندادند. جز همان نامه‌ای که در کارتابل دیدم، هیچ سند مکتوبی به من ندادند،انی حتی برای تصفیه‌حساب نیز به من زنگ نزده‌اند».

مهشید گوهری و استاد دیگر: ممنوع‌الورود به دانشگاه

مهشید گوهری استاد ادبیات دانشگاه فردوسی مشهد بود، او همراه با شش استاد حق‌التدریسی دیگر بعد از نزدیک به هفت سال تدریس ادبیات در این دانشگاه و دو بار دریافت عنوان «استاد نمونه دانشکده» با استفاده از ابزار تمهیدنگردن قرارداد از این دانشگاه اخراج شد. این استاد ادبیات در سال ۱۴۰۱ به‌واسطه فعالیت در کارگروه‌هایی که اساتید دانشگاه فردوسی برای پیگیری کار دانشجویان بازرداشتی تا تعلیق‌شده بودند، از سوی حراست و مسئولان وقت دانشگاه فردوسی بازخواست شد. «مهشید گوهری» از اساتیدی بود که بارها برای کمک به رفع تعلیق دانشجو